

سوزه روز

خبر خوبی که معاون وزیر ورزش داد:
حق ۱۰۰ میلیاردی فوتبال
در آستانه وصول

[شهروند] به نظر می‌رسد بعد از سال‌ها کش و قوس بین فدراسیون فوتبال با صداوسیما بر سر ماجرای حق پخش باخراهمصوبه‌مجلس به‌داد فوتبال و البته ورزش ایران رسیده تا حداقل درآمدی از این محل سالیانه به جیب فدراسیون‌ها و باشگاه‌های مختلف برود. بعد از وعده‌ای که وزارت ورزش درباره حل ماجرای حق پخش با مصوبه‌ای در مجلس و واریز مستقیم حق پخش به حساب وزارت ورزش از محل درآمد‌های صداوسیما، قرار گرفتن چنین بندی در لایحه بودجه سال ۹۹ نشان داد که یک بار برای همیشه ماجرای حق پخش تلویزیونی در حال حل و فصل شدن است. حالا معاون وزیر ورزش پیش‌بینی خود از مبلغ درآمد سالیانه ورزش از حق پخش را هم رسانه‌ای کرده است. جمشیدتقی‌زاده درباره میزان پولی که از ردیف حق پخش تلویزیونی نصیب ورزش کشور می‌شود، می‌گوید: «بزرگی اعداد درآمد صداوسیما از محل تبلیغات زیاد است ولی پیش‌بینی ما این است حداقل یکصد میلیارد تومان سال آینده از محل حق پخش تلویزیونی نصیب ورزش و فوتبال خواهد شد.» البته گویا پیش‌نهاده اولیه چیزی بهتر از این بوده که مصوب نشده است: «پیش‌نهاده اولیه و بهتر ماتقسیم ۵۰-۵۰ درآمد تلویزیونی از محل حق پخش بود ولی در کمیسیون تلفیق مجلس مصوب شد ۳۰ درصد اعتبار حق پخش به وزارت ورزش و ۷۰ درصد به صداوسیما پرداخت شود.» حالا سوال اینجاست اگر پیش‌بینی معاون پارلمانی وزیر ورزش درست از آب دربیاید و در سال ۹۹ نزدیک به صد میلیارد تومان درآمد‌های حق پخش تلویزیونی به حساب وزارت ورزش برود، این پول چگونه بین فدراسیون‌ها و باشگاه‌های مختلف تقسیم خواهد شد. شاید این موضوع در نوع خودش محلی برای شروع اختلافات جدید باشد، چون تاکنون معیار مشخصی برای پرداخت حق پخش وجود نداشته و هر فدراسیون یا باشگاهی می‌تواند برای سهم بیشتر خود چانه‌زنی کند. البته پیش از همه احتمالاً باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس که زیر نظر وزارت ورزش هم فعالیت می‌کنند، سهم می‌برند و بعد از آن هم نوبت به فدراسیون فوتبال خواهد رسید. البته فدراسیون و لیگال که بازی‌های زیادی در طول سال از تیم ملی این رشته روی آنتن شبکه‌ها می‌روند هم می‌تواند یکی از مدعیان جدی در زمینه حق پخش باشد. به هر حال باید امیدوار بود اقدامی که مجلس شورای اسلامی برای حل مشکل حق پخش تلویزیونی در زمینه ورزش برداشته در آمد باشگاه‌ها و فدراسیون‌ها از این محل هم شفاف شود و بتواند از بدیهی‌هایی که هر سال روی هم تلنبار می‌شود، جلوگیری کند. □

استیلی؛

شرمند مردم هستیم

حمید استیلی سرمربی تیم ملی امید بعد از کناره رفتن از دور رقابت‌های مقدماتی المپیک ۲۰۲۰ توکیو گفت: «شرمند مردم هستیم و خیلی دوست داشتیم آنها را خوشحال کنیم اما همه دیدند که تلاش مان را انجام دادیم. شاید اگر در گروه دیگری بودیم، صعود می‌کردیم ولی واقعاً بدشانس بودیم.» سرمربی تیم امید صحبت‌هایش را این‌طور ادامه داد: «ما مقابل کره نیاید می‌بختیم و مقابل ازبکستان هم نیاید مساوی می‌کردیم. تیم ما مقابل چین ۲۵ شوت زد و حداقل ۷ یا ۸ موقعیت صد درصد گل داشتیم. از بازیکنان تیمم تشکر می‌کنم، چون بازی کردن در این هوا خیلی سخت است. با وجود اینکه کنترل کامل بازی را در اختیار داشتیم و برنامه‌های فنی را خوب پیاده کردیم اما در نقطه آخر نشد که از فرصت‌های نهایت استفاده را ببریم. ما با تفاضل گل صعود نکردیم و این موضوع من را ناامید می‌کند. این را باید دید استیلی همه تلاش خود را انجام داد و جا دارد از همه کسانی که حامی این تیم بودند تشکر کرد. وزارت ورزش، کمیته ملی المپیک و فدراسیون فوتبال و هم‌چنین رسانه‌ها به ما لطف داشتند که جا دارد از همه آنها تشکر کنم. امیدوارم این تیم رهان شود.» □



سهیل سعادت‌مندی

ایران باز هم از رسیدن به المپیک باز ماند

نیم قرن حسرت فوتبال

اشاره می‌کردند. باشگاه‌ها هم در این چهار سال تا آخرین لحظه برای حضور بازیکنان خود را در هواکاشا شکستی می‌کردند و اتحاد همدلی خبری نبود.

از تیم خاکپور تا تیم استیلی

تیم امید ایران در دوره قبلی مسابقات قهرمانی آسیا با هدایت محمد خاکپور در تاریخ دوم بهمن ۱۳۹۴ مقابل ژاپن شکست خورد و از راهیابی به المپیک باز ماند. فدراسیون با این مربی قطع همکاری کرد. تا چند ماه خبری از تیم امید نبود تا اینکه برای مقطعی امیرحسین پیروانی به عنوان سرمربی امیدها انتخاب شد. عملکرد نه چندان مطلوب او باعث شد که فدراسیون به فکر راه چاره برای برون رفت از مشکل بیفتد و به همین ترتیب مدیریت تیم المپیک را به حمید استیلی دادند. او در نهایت ژانگ کو کرانچا را در تاریخ دوم اردیبهشت ۱۳۹۷ به عنوان سرمربی تیم المپیک انتخاب کرد. صعود به عنوان تیم دوم گروه به قهرمانی آسیا و المپیک در بازی‌هایی که در تهران برگزار شد، شرایط را فراهم کرد که فدراسیون تصمیم به قطع همکاری با کرانچا بگیرد. سپس در یک تصمیم تاریخی و غیراصولی فرهاد مجیدی بدون داشتن سابقه مربیگری نفر اول کادر فنی شد. مدیریت وعده داد که با او حتما نتایج خوبی کسب خواهیم کرد. فرهاد اما در دو بازی دوستانه که روی نیمکت نشست، دوشکست مقابل ازبکستان را تجربه کرد و سپس اختلافاتش با حمید استیلی و مدیران فدراسیون بالا گرفت و در نهایت بعد از سه ماه اخراج شد. در نهایت مدیریت تیم امید همان طوره که از مدت‌ها قبل پیش‌بینی می‌شد که در فاصله کمتر از سه ماه مانده به شروع مسابقات قهرمانی آسیا، سرمربی شد. بررسی این فعل و انفعالات حاشیناک فقط برای یادآوری اتفاقات تلخی بود که در کادر فنی تیم المپیک در این سال‌ها شاهد

[حسین قهار] و باز هم رسیدیم به حسرت تکراری حضور فوتبال ایران در المپیک و یک شکست دیگر. غیرمصرفانه‌ترین تحلیل درباره حذف تیم المپیک در شرایط کنونی این است که همه چیز را گردن بدشانسی بیندازیم و ضعف‌ها را نادیده بگیریم. سابقه المپیک نشدن فوتبال ما ۴۴ ساله بود و با علم به این دوران تلخ و تجربه‌های بسیار بد دوره‌های گذشته تیم امید را تشکیل دادند تا طلسم شکستی کند. نتیجه‌ای که حاصل شد اما باز هم تلخ بود. مدیران فدراسیون فوتبال وقتی سابقه ۴۴ سال اشتباه را داشتند، باید از تک‌تک مشکلات قبلی درس می‌گرفتند و بدون تکرار آنها تیم امید را مدیریت می‌کردند. ولی دوباره شاهد تمام آن ایرادها بودیم. پس در چنین وضعیتی به هیچ‌عنوان نباید وقتی با این نتیجه بد روبرو شده‌ایم، از قسمت و بدشانسی حرف بزنیم. این سرنوشت بسیار بد نتیجه مشکلات مدیریتی و فنی تیم المپیک بود و نتیجه نگرفتن از همه مقابل پیش‌بینی بود.

حضور در مسابقات بدون پشتیبانی درست

تیم امید در شرایطی تشکیل شد که مدیریت درست و حسابی نداشت. کادر فنی هم مدام در حال تغییر بود و از ثبات خبری نبود. کمیته المپیک تأکید کرده بود هیچ دخالتی در کار تیم امید ندارد و فدراسیون فوتبال باید پاسخگو عمل کرد و برنامه‌های این تیم باشد. مدیران فوتبالی هم که مثل همیشه برای تدارکات این تیم با مشکلات مالی روبرو بودند. تیم امید امکانات درست و حسابی هم نداشت. وضع زمین‌های تفریحی و مسابقات دوستانه و حتی لباس بازیکنان تألماتها افتضاح بود. پشتیبانی مالی و رفاهی از بازیکنان فاصله‌ای چشمگیر با استانداردهای فوتبال در آسیا و جهان داشت. بازیکنان در مصاحبه‌های مختلف بارها به این مسأله

بودیم. با این اتفاقات و انتخاب‌ها از همان اول مشخص بود که چون اصول و برنامه‌ریزی در کار نیست، خیلی سخت است که نتیجه خوبی بگیریم. سرنوشت تلخ تیم امید در مسابقات قهرمانی آسیا را هم دیدیم. بازیکنان در بازی اول با نتیجه یک-یک مساوی کردیم. سپس با نتیجه دو بر یک به کره جنوبی در بازی دوم باختیم. با توجه به پیروزی ازبک‌ها با این بود که در روز آخر کره ازبکستان را شکست دهد و تیم استیلی بتواند با اختلاف دو بر یک از دو گل چین را شکست دهد. کره که از قبل صعودش را قطعی کرده بود و به هفت بازیکن اصلی خود استراحت داده بود اما کار خودش را به بهترین شکل ممکن برای فوتبال ایران انجام داد. آنها با نتیجه دو بر یک ازبکستان را شکست دادند اما ایران حذف شد. چون تنها بایک گل از زوری نقطه پالتی چین را شکست داد.

نیم قرن حسرت

المپیک نشدیم و این وضعیت تلخ را باید هضم کنیم. برای المپیک ۲۰۲۴ هم ممکن است اصلاً فوتبال از المپیک حذف شود. بررسی مطالبی که به آن‌ها صورت گذار اشاره شد و واقعیت‌های تلخ فوتبال ایران باید قبول کنیم که حق مان المپیک نبود. المپیک شدن فکر برنامه‌ریزی، مدیریت، نیروی انسانی، تدارکات، پشتیبانی و سرمایه‌گذاری در حد المپیک می‌خواهد که ما نداشته‌ایم. پس یک نسل دیگر دوست داشتنتی فوتبال ایران باید هم قربانی اقدامات مدیریتی این فوتبال و در نهایت حسرت حضور در المپیک ۲۰۲۴ ساله می‌شد. ایران برای راهیابی به المپیک تنها کافی بود یک کار انجام دهد؛ اشتباهات گذشته را تکرار نکند. اما تکرار کرد و رسیدیم به روزهای سیاه امروز... □



واکنش

استقبال رئیس کمیته ملی المپیک از بازگشت ورزشکاران مهاجر

ورزشکار ممنوع ورود و خروج نداریم

[شهروند] در ماه‌های اخیر بحث مهاجرت ورزشکاران با خروج قهرمانانی همچون سعیدملایی و کیمیا علیزاده به یکی از سوزه‌های مهم ورزش ایران تبدیل شده که گویا مسئولان هم نمی‌توانند مانع ادامه آن شوند. رضا صالحی امیری، رئیس کمیته ملی المپیک که اخیراً همراه با وزیر ورزش به لوزان سفر کرد و ملاقاتی را با توماس باخ، رئیس کمیته بین المللی المپیک (IOC) داشت، از بازگشت ورزشکارانی که مهاجرت کردند و نپوشیمان شده‌اند استقبال می‌کند: «ما نباید مانع مهاجرت شویم بلکه باید شرایطی را فراهم کنیم که ورزشکار در داخل و خارج از کشور احساس آرامش کنند. وزیر هم در حضور رئیس IOC گفت هیچ‌یک از ورزشکاران مهاجرت کرده محدودیتی برای ورود به ایران ندارند. ما ورزشکار ممنوع خروج و ورود نداریم. اعتقاد داریم در بستر زمان همه چیز مشخص می‌شود. مهاجرت را پدیده منفی نمی‌دانم اما باید عوامل کشش را افزایش دهیم. سالها انسان‌های زیادی از ایران مهاجرت می‌کنند و نباید با بزرگ نمایری و یکدمنشی، تخریبی و سیاسی داشته باشیم. معتقدیم هیچ کدام از ورزشکاران با رویکرد سیاسی نرفتند و باید شرایط را برای حضور مجدد فراهم کنیم. این اتفاقات یک قهرمقطعی است و همه به خانه پدیری خودشان برمی‌گردند.» در شرایطی که شایعاتی پیرامون ادامه روند مهاجرت ورزشکاران شنیده می‌شود، مسئولان ورزش ایران به بازگشت همان نفراتی هم که قبلاً از کشور خارج شدند امیدوار هستند. باید دید این پدیده در ماه‌های آینده وارد چه فاز خواهد شد و آیا امکان بازگشت امثال سعیدملایی و کیمیا علیزاده وجود دارد یا خیر. □

نگاه ۲

رمزگشایی از دلایل بن بست فنی تیم استیلی



حمید درخشان
پیشکسوت فوتبال

معتمد تیم خوبی از نظر مهره داشتیم و بازیکنان در سطح قابل قبولی بودند. کادر فنی هم از نفرات خوبی تشکیل شده بود. حالا که تیم حذف شده شاید خیلی‌ها بگویند چرا حمید استیلی سرمربی این تیم است و اگر فرد دیگری بود، تیم به المپیک صعود می‌کرد. این صحبت‌ها برای زمانی بود که این مربی انتخاب شد. استیلی باید بعد از انتخابش به خوبی از سوی رسانه‌ها و کارشناسان حمایت می‌شد که نشد. البته تغییرات زیاد در کادر فنی تیم امید در یکی دو سال اخیر هم مزید بر علت شد که تغییرات زیادی در کادر بازیکنان این تیم هم به وجود بیاید، چون هر مربی از سلیقه خاص خودش را دارد. از نظر من مشکل اصلی این تیم کمبود بازی‌های تدارکاتی و البته بازی نکردن با تیم‌های بزرگ قبل از این تورنمنت بود. بازیکنان ایران تجربه بین‌المللی زیادی نداشتند و فقط چند بازی در ماه‌های اخیر در سطح آسیا برگزار کردند که چیزی به آنها اضافه نکرد. وقتی از بازی تدارکاتی صحبت می‌کنیم، باید به حریفی که برابر تیم ایران هم قرار می‌گیرد، فکر کنیم. بازی با تیم‌هایی همچون قطر و ازبکستان چیزی به تیم ما اضافه نمی‌کند، چون آنها هم در همین سطح هستند و ضعف‌های تیم عیان نمی‌شود. ما باید در این رده سنی سراغ بازی‌های تدارکاتی ارزشمند با تیم‌های بزرگ و صاحب سبک اروپایی برویم. بازی طراز اول یعنی تن بازیکنان ما به بازیکنان برزیلی و آرژانتینی یا کشورهای صاحب سبک اروپایی بخورد. ۵ سال است که به المپیک نرفتیم و باز هم همان اشتباهات را تکرار می‌کنیم. اگر واقعاً صعود به المپیک برای ورزش ایران مهم است، چرا برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری مناسبی برای تیم امید صورت نمی‌گیرد؟ همه نگاه‌ها به تیم ملی بزرگسالان است و وقتی چند ماه به انتخابی المپیک مانده، تازه یادمان می‌افتد که چنین تیمی هم داریم. تجربه حضور در المپیک می‌تواند باعث رشد فوتبال ایران شود. شما تصور کنید بازیکنان جوان و کم‌تجربه این تیم در المپیک حاضر و با بهترین تیم‌ها روبرو شوند. این باعث می‌شود بازیکنان با کیفیت به تیم ملی بزرگسالان هم اضافه شوند. چندی قبل فینال زیر بیست و سه ساله‌های اروپا را بین اسپانیا و آلمان می‌دیدیم که واقعا تحت تأثیر کیفیت این بازی قرار گرفتیم. اگر به اسم بازیکنان دقت نمی‌کردید، انگار که تیم‌های بزرگسالان آلمان و اسپانیا مقابل هم قرار گرفته بودند. تیم مشکلات تکنیکی و تاکتیکی داشت و بازیکنان وقتی به بن بست می‌رسیدند، می‌خواستند با خلاقیت خودشان کار را پیش ببرند. □

نگاه ۱

حذف تیم امید، حاصل مدیریت غیراستاندارد فوتبال



امیررضا اعظمی
کارشناس مدیریت فوتبال

حذف تیم امید ایران از مسابقات قهرمانی آسیا و راه نیافتن به المپیک بیشتر از هر چیزی به ضعف کادر فنی و برنامه‌ریزی در مدیریت فوتبال ایران ارتباط دارد. وقتی چهار سال قبل تیم خاکپور نتوانست جواز حضور در مسابقات المپیک را به دست بیاورد، آقایان مصاحبه کردند و گفتند از اشتباهات و مشکلات درس می‌گیرند ولی فاصله برای پایان دادن به این طلسم تا کامی، برنامه‌ریزی اصولی برای تیم را در دستور کار قرار می‌دهند تا در این دوره بتوانیم موفق شویم. با وجود این وعده‌ها ما باز هم چیزی جز سوءمدیریت و تکرار اشتباهات گذشته شاهد نبودیم. ابتدا که دو ساله این تیم ره‌اشد، سپس نتیجه‌گیری فدراسیون و کمیته المپیک بر این شد که مدیران فوتبال مدیریت تیم امید را برعهده داشته باشند و هدایت تیم را ژانگ کو کرانچا دادند. این مربی کروات در دوره مقدماتی در شرایطی که ایران میزبان بود، تیم را در گروه دوم کرد. سپس فدراسیون به این نتیجه رسید که با کرانچا نمی‌توانیم موفق شویم و دوباره چند ماه تیم المپیک ره‌اشد تا اینکه در اقدامی حیرت‌انگیز تصمیم گرفتند فرهاد مجیدی را بدون داشتن سابقه مناسب مربیگری جانشین کرانچا کنند. او برای دو بازی دوستانه هدایت تیم را برعهده داشت، شکست‌هایی را تجربه کرد و اختلافاتش با کادر مدیریتی تیم و کمیته‌های فدراسیون به قدری بالا گرفت که بعد از دو سه ماه برکنار شد و آقای استیلی سرمربی شد. نتیجه کار با ایشان راهم دیدیم که باز شکست خوردیم و حسرت حضور در المپیک چهل و هشت ساله شد. استیلی مدتی طولانی مدیر تیم المپیک بود و در نهایت سرمربی شد. ایشان از چهره‌های خوب این فوتبال است، اما اگر مدیر بود، چرامربی بود، چرا کار مدیریتی به او دادند؟ همه ما اینجا نشان از ضعف فدراسیون فوتبال، مدیریت ورزش ایران و فقدان برنامه‌ریزی استاندارد دارد. درست مثل ۴۴ سال گذشته که مشکلات مدیریتی باعث شد ما بر میان ایرانی داخلی مختلف نتوانیم المپیک شویم. ضمن اینکه آقایان مدیر دو مهره محترم این فوتبال یعنی فرهاد مجیدی و حمید استیلی را هم سوزاندند و مهره‌سوزی نتیجه همین نداشتن مدیریت اصولی است. شکست تیم امید برای همه‌هالی ورزش و فوتبال قابل پیش‌بینی بود. چون ماهیچ وقت روی مدار اصول و برنامه حرکت نکردیم و تمام تصمیمات مصلحتی، احساسی و غیرحرفه‌ای بود. فوتبال ایران مدت‌هاست با این نتیجه و مدیریت هیچ آینده درخشانی ندارد و نتیجه‌اش هم نسل سوزی است. شما حسابش را بکنید که چند نسل از فوتبال المپیک‌ها این دوستانه‌اشتی این فوتبال به علت سوءمدیریتی سوزند و شکست خوردند؟ جالب اینجاست که در تمام این سال‌ها هم فقط مربیان و بازیکنان به علت شکست‌های تیم المپیک هزینه دادند و جایگاه آقایان مدیر هیچ وقت به خطر نیفتاد. اگر مایک ساختار درست ورزشی داشتیم، هیچ وقت با این سابقه و بزرگی در فوتبال آسیا باید برای حضور در المپیک حسرت‌مان چهل و هشت ساله می‌شد. □